

واکاوی موانع فراروی کار آفرینی خانگی در نواحی روستایی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی از دیدگاه دانشجویان جهادگر بسیجی به مناطق محروم (مطالعه موردی: دهستان کامفیروز، شهرستان مرودشت)

مهدی رحمانیان کوشکی* - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
یعقوب زارعی - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران
علیرضا استعلاجی - استاد گروه جغرافیا، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۲۴

چکیده

کارآفرینی در مقیاس کوچک در قالب کسب و کار در منزل و کارهای خانگی به عنوان راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد در سراسر جهان محسوب می‌گردد و در کشور ما می‌تواند مسیری میانبر برای تحقق اقتصاد مقاومتی باشد. لیکن اگر چه مشاغل خانگی یکی از زمینه‌های مناسب فعالیت اقتصادی زنان، به ویژه در مناطق روستایی به شمار می‌رود، توسعه آن با موانع و محدودیت‌های متعددی رو به رو است. بر همین اساس پژوهش حاضر، با هدف واکاوی موانع فراروی کارآفرینی خانگی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی انجام شده است. رویکرد غالب تحقیق، کمی و روش آن مبتنی بر پیمایش بود. جامعه آماری این تحقیق در بردارنده ۱۵۰ نفر از دانشجویان جهادگر بسیجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت بودند که با استفاده از روش تمام شماری مطالعه شدند. در نهایت ۱۲۶ پرسش‌نامه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد. ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه بود. روایی پرسش‌نامه با نظر کارشناسان و متخصصان تأیید شد. به منظور تعیین پایایی ابزار تحقیق، پیش‌آزمون انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس اصلی پرسش‌نامه ($\alpha=0/794$) محاسبه شد، که نشان دهنده مناسب بودن ابزار پژوهش است. داده‌های حاصل به وسیله نرم‌افزارهای SPSS و LISREL^{8.80} تجزیه و تحلیل گردید. جهت تحلیل عاملی موانع فراروی کارآفرینی خانگی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی از تحلیل عاملی اکتشافی و به منظور بررسی شاخص نیکویی مدل تحقیق از تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری بهره گرفته شد. نتایج حاصل از تحلیل عاملی مربوط به موانع فراروی کارآفرینی خانگی نشان داد که متغیرها در شش عامل ضعف حمایتی، موانع اقتصادی، موانع فرهنگی و اجتماعی، ضعف دانشی و اطلاع-رسانی، موانع خانوادگی و نبود قوانین مرتبط قرار گرفته‌اند. مجموع این شش عامل، ۷۰/۵۲۱ درصد از واریانس موانع فراروی کارآفرینی خانگی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی را تبیین کرده‌اند. در پایان بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی ارائه شد.

واژه‌گان کلیدی: کارآفرینی خانگی، موانع، اقتصاد مقاومتی، زنان روستایی

نحوه استناد به مقاله:

رحمانیان کوشکی، مهدی، زارعی، یعقوب و استعلاجی، علیرضا. (۱۳۹۶). واکاوی موانع فراروی کارآفرینی خانگی در نواحی روستایی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی از دیدگاه دانشجویان جهادگر بسیجی به مناطق محروم (مطالعه موردی: دهستان کامفیروز، شهرستان مرودشت). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۲ (۲)، ۲۴۹-۲۶۵.

http://ishsp.iaurasht.ac.ir/article_532885.html

مقدمه

توسعه روستایی، پدیده‌ای چند بُعدی به شمار می‌رود که امروزه نیازمند سیاست‌گذاری برای تمرکز بر توسعه ایده‌های نوآورانه و طرح‌های ابتکاری کسب و کار در مناطق روستایی است (Harpa et al, 2015: 471). در این زمینه، تجربیات توسعه روستایی در کشورهای مختلف جهان بیانگر آن است که مشکلات کمبود درآمد روستاییان و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ناشی از آن را نمی‌توان فقط با انتقال دانش فنی، فناوری و انتقال سرمایه‌های مادی به مناطق روستایی حل شده پنداشت (Rezaei & Najafi, 2015: 433). بر این اساس پن روز^۱ در نظریه اقتصادهای حاشیه‌ای^۲، اعتقاد دارد در شرایط شکوفایی و رونق اقتصادی، ایجاد فرصت‌های رشد برای کسب و کارهای کوچک، ممکن الحصول و راحت‌تر از توسعه کسب و کارهای بزرگ است (UNIDO, 2003: 129). لذا، راهکار مهم‌تری که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی می‌بایست به آن توجه کنند؛ راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک روستایی به ویژه کسب و کارهای خانگی و فراهم کردن بستری برای رشد و گسترش آن‌هاست.

در باب اهمیت توجه به کسب و کارهای خانگی باید عنوان نمود که این صنایع (مشاغل خانگی) با ایجاد شبکه‌های ارتباطی منظم و همکاری‌های نظام‌مند با یکدیگر، ضمن دستیابی به شاخص‌های تولید انبوه، از مزیت‌های کسب و کارهای کوچک همچون نوآوری و تنوع برخوردار هستند (Barkhordari, 2010: 6). به علاوه، اشتغال‌زایی را از ویژگی مهم این نوع مشاغل دانسته (Mir-Mohammadi, 2009: 11) و برخی نیز بر انعطاف‌پذیری این مشاغل تأکید دارند (Mehr, 2010: 104). فعالیت در این عرصه، علاوه بر این که موجب ایجاد اشتغال و کنترل بیکاری می‌شود، می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس، خود اتکایی و در نهایت توانمندسازی روستائیان منجر شود (Saadi et al, 2014: 87). توسعه کارآفرینی از خانه باعث توسعه اشتغال و ارتقای سطح کارآفرینی در یک جامعه می‌شود. محاسنی که بر کسب و کارهای خرد مترتب است (همچون چابکی و انعطاف‌پذیری) در کنار مزایایی که خانه به عنوان محل کسب و کار در اختیار افراد قرار می‌دهد (همچون حذف هزینه‌های محل فعالیت)، انگیزه‌های مضاعفی را در افراد برای گرایش به سمت چنین کسب و کارهایی ایجاد کرده است؛ به طوری که تحقیقات نشان می‌دهد که این گونه فعالیت‌ها در سال‌های اخیر، نرخ رشد بالاتری نسبت به کسب و کارهای کوچک و متوسط داشته‌اند (Walker & Webster, 2004: 7). از این رو، کارآفرینی خانگی دارای مزیت‌های مختلفی به منظور ارتقای درآمد خانوار است تا زنان در محیطی آرام و صمیمی از فرصت‌های موجود، بیشترین بهره را برده و بهترین فرصت در راستای رسیدن اهداف سیاستی اقتصاد مقاومتی در مناطق روستایی فراهم گردد.

با وجود مزایای راه‌اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی و نقش عمده‌ای که این نوع کسب و کارها می‌توانند در تسریع و تسهیل فرآیند توسعه روستایی ایفاء کنند؛ بروز موانع متعدد در ابعاد مختلف از جمله سیاسی، ساختاری، قانونی، آموزشی، فرهنگی - اجتماعی و غیره، سبب شده تا کسب و کارهای خانگی به طور مناسب توسعه پیدا نکنند (Entezarian & Tahmasebi, 2010: 78) و این وضعیت در مناطق روستایی، حادث‌تر به نظر می‌رسد. به گونه‌ای که، وضعیت فعالیت‌های زنان در ایران گویای این واقعیت است که اشتغال زنان روستایی در وضعیت مناسبی قرار نداشته (Fallah-Jelodar et al, 2008: 88) و این وضعیت معلول موانع متعددی است که زنان و دختران روستایی را از پرداختن به این کسب و کارها باز می‌دارد. اگرچه نتایج مطالعات گوناگون، هر کدام به نوعی دشواری فرآیند راه‌اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی کشور و وجود موانع و مشکلات مختلف در این فرآیند را بیان نموده‌اند:

1. Pen Rooz
2. Marginal Economics

به عنوان نمونه در پژوهش‌های داخلی: رضایی و نجفی (Rezaei & Najafi, 2015) پنج عامل ضعف حمایتی، محدودیت‌های کسب و کار خانگی، ضعف زیرساختی و فرهنگی، ضعف دانشی و اطلاع‌رسانی و نبود قوانین در زمینه ایجاد و توسعه کسب و کارهای خانگی را، به عنوان سازه‌هایی برای موانع راه اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی بیان داشته‌اند. نجفی و صفا (Najafi & Safa, 2014) در مطالعه خود مهم‌ترین موانع و چالش‌های توسعه کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه در مناطق روستایی را شامل نبود طرح کسب و کار مناسب، تجربه و تخصص پائین روستاییان، نبود دسترسی مناسب روستاییان به بازار، دسترسی ضعیف به اطلاعات و منابع اطلاعاتی، تأمین نشدن اعتبار مالی برای سرمایه‌گذاری کسب و کار خانگی و وجود موانع قانونی در نظر گرفته‌اند. سعدی و حیدری (Saadi & Heidari, 2014) در ارایه چالش‌ها و راهکارهای تعاونی‌های کسب و کار خانگی در استان همدان نشان دادند که مشکلات عمده تعاونی‌های کسب و کار خانگی را می‌توان در پنج عامل کلیدی ضعف حمایت‌های دولتی، مشکلات چالش‌های مدیریتی، ضعف برنامه‌ریزی، مشکلات اقتصادی و تولیدی و ضعف خلاقیت و کارآفرینی دسته‌بندی کرده‌اند. در مطالعات برون مرزی نیز کلان تاریدیس و بیکا (Kalantaridis & Bika, 2011) کوچک بودن بازارهای محلی و دسترسی نداشتن به بازارهای مناسب برای فروش محصولات را مهم‌ترین مانع راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی در روستاهای شهرستان کامبریا در شمال غرب انگلستان می‌دانند و مینگ‌ین و چونگ (Ming-Yen & Chong, 2008) در مطالعه خود در مالزی با اشاره به محدودیت‌های ناشی از توأم بودن مسئولیت‌های خانه و محیط کار، موانع راه‌اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی را در چهار دسته کلی شامل ضعف سرمایه، ضعف در شبکه سازی، ضعف آموزش و ضعف اطلاعات و ارتباطات دسته‌بندی کرده‌اند.

هر چند مروری بر ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که راه‌اندازی و گسترش کسب و کار خانگی در مناطق روستایی با موانع متعددی (همانند ضعف در تأمین مالی، حمایت نکردن دولت، ضعف در بازاریابی، نبود قوانین مرتبط، پایین بودن سطح تجربه و مهارت صاحبان کسب و کار، مسائل فرهنگی، ضعف در زیرساخت‌ها و غیره) مواجه است که گاهاً دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی در نواحی روستایی را به مخاطره می‌افکند اما با توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بسیار مناسب این مناطق کانونی در زمینه سرمایه انسانی و تنوع فعالیت‌های کارآفرینانه بویژه در حوزه مشاغل خانگی، باید اذعان نمود که نقش سکونتگاه‌های روستایی در توسعه سرزمینی و تحقق اقتصاد مقاومتی، بی‌بدیل و غیر قابل انکار است. در این میان شهرستان مرودشت (از جمله بخش کامفیروز) در استان فارس که به لحاظ جغرافیای کارآفرینی و نزدیکی به کلان شهر شیراز، از مزیت‌های نسبی و قابل ملاحظه‌ای در حوزه صنایع دستی و فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری شناسایی شده که این موضوع با در نظر گرفتن تعداد روستاها و جمعیت ساکن در این مناطق، سبب شده است تا بخش کامفیروز به عنوان یکی از مناطق بسیار مستعد برای راه‌اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی روستایی مطرح شود.

یکی از اقدامات توسعه اشتغال در دنیا، توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط است که بستر مناسبی برای اشتغال کارآفرینان جوان و نوپا می‌باشد. مشاغل خانگی نیز یکی از اشکال کسب و کارهای کوچک می‌باشد که در کاهش نرخ بیکاری نقش بسیار مؤثری ایفاء می‌کند. کسب و کارهای خانگی به لحاظ تأثیری که بر ایجاد اشتغال آسان و کم هزینه بر جوامع دارند، در دهه اخیر کانون توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران در حوزه کسب و کار و تجارت بوده است (Ahmadpur-e-Dariani, 2006: 2). به طور معمول، کسب و کارهای خانگی در زمره کسب و کارهای خرد طبقه بندی می‌شوند و با این که اغلب جزء بخش پنهان و غیر رسمی اقتصاد به شمار می‌روند (Tipple, 2006: 173)؛ لیکن نقش شایان توجهی در تولید ثروت و رشد اقتصادی یک جامعه و توسعه سرمایه اجتماعی آن دارند (Mirlotfi et al, 2014: 4).

مفهوم کسب و کار خانگی، قدمت دیرینه‌ای دارد؛ اما در مورد تعریف آن هنوز اتفاق نظر کلی وجود ندارد (Khanifar et al, 2010: 184; Pierce-Lyons, 2009: 5). در این زمینه، فانگ و همکاران (Fong et al, 2001) اعتقاد

دارند، کسب و کارهایی را می‌توان خانگی نامید که صرف نظر از اندازه و نوع آن‌ها، محل کار اصلی‌شان در خانه باشد. همچنین برطبق تعریف هورگان (Horgan, 2001)، کسب و کارهای خانگی موجب رشد اشتغال و کم کردن هزینه‌های سربار اقتصادی شده و در نهایت، وسیله‌ای برای رشد اقتصادی - منطقه‌ای است (Yaghoubi Farani et al, 2014: 561). لذا صرف نظر از چگونگی کسب و کار خانگی، تأکید بر خانه به عنوان محل اصلی کسب و کار (Taggart et al, 2010: 3; Muske & Woods, 2005: 12)، مالکیت یا مدیریت بخش عمده کسب و کار توسط یک یا چند نفر از اعضای خانواده (Mirlotfi et al, 2014: 4)، مجاز بودن و تناسب حجم تولید با شرایط و فضای واحد مسکونی، ایجاد نکردن آلودگی‌های زیست محیطی، صوتی و بصری (Barkhordari, 2010: 6) و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در راستای اشتغال و توسعه پایدار در نواحی روستایی از مشخصه‌های اصلی کسب و کارهای خانگی محسوب می‌شوند.

اقتصاد مقاومتی عبارتست از: ایجاد نهاد لازم در اقتصاد کشور (بکارگیری مجموعه‌ای از سیاست‌ها، قوانین و تدابیر اجرایی) که خطرپذیری آن را در برابر تکانها و اختلال‌های آسیب‌زننده داخلی و خارجی، بویژه تحریم‌های بین‌المللی، به حداقل رسانده و زمینه را برای دستیابی به پیشرفت‌های پایدار اقتصادی فراهم نماید (Karim et al, 2014: 108). به تعبیر ساده‌تر اقتصاد مقاومتی با رویکرد شناسایی مناطق بحرانی و تلاش در جهت خنثی کردن آن و در شرایطی ایده‌آل‌تر برای تبدیل بحران‌ها به فرصت در سایه تدابیر مدیریتی و مشارکت همگانی در جامعه تعریف می‌شود که هدف از زایش چنین اقتصادی، استفاده از ظرفیت‌های گوناگون یک سرزمین جهت کاهش وابستگی و تلاش برای خوداتکایی با تأکید بر نیروهای تولیدی در درون جوامع است که زمینه رونق تولید، اشتغال و رفاه و در مجموع رشد اقتصادی کشور را بدنبال دارد و پویایی، دفع موانع و جهت‌دهی به اقتصاد در مسیر رشد و تعالی از مولفه‌های اساسی آن به شمار می‌رود (Zarei & Zarei, 2012: 2).

هدف در اقتصاد مقاومتی استفاده از توان داخلی و مقاومت در مقابل تحریم‌ها با ایجاد کمترین بحران است (Pezhouhandeh, 2015: 188). بر همین اساس، مقاومت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی در حقیقت اقتصادی را ترسیم می‌کند که توانایی مقابله با شوک‌های وارده بر اقتصاد را دارد. این شوک‌های اقتصادی می‌تواند ناشی از عوامل بیرونی و یا عوامل درونی اقتصاد باشد، چنین اقتصادی باید قابلیت انعطاف در شرایط مختلف و توانایی عبور از بحران را داشته باشد. از همین رو اقتصاد مقاومتی برای این که در کشور مورد اجرا قرار گیرد و الگوی مناسب آن طراحی شود باید دو مشخصه بارز اسلامی و ایرانی را به همراه داشته باشد. الگوی اقتصاد مقاومتی از جنبه اسلامی بودن آن متناظر به اهداف و آرمان‌های جامعه است و از جنبه ایرانی بودن آن ناظر به مسائل و نیازهای بومی کشور ایران است (Karim et al, 2014: 108).

در این میان هرچند واژه اقتصاد مقاومتی واژه جدیدی است و بار ارزشی در فرهنگ دینی دارد اما باید این نکته را اضافه نمود که مفاهیم در این زمینه و اعمال و اقداماتی برای مقاومت در حوزه‌های گوناگون به ویژه در حوزه اقتصاد در دنیا بی‌سابقه نیست. در ادبیات اقتصادی مفاهیمی مثل "اقتصاد مقاومت" و "یا" "قدرت اقتصادی" فراوان وجود دارد. در واقع همه کشورها که به نوعی جنگ یا بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده‌اند و برای توسعه، شرایط سختی را گذرانده‌اند اقتصاد خود را بر مبنای مقاومت برنامه‌ریزی کرده‌اند. برنامه‌ریزی اقتصادی آلمان، روسیه، انگلستان، ژاپن و ... در دوره جنگ‌های جهانی اول و دوم اقتصادهای مقاومتی بوده است. در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، با تمام اشکالات موجود و عدم درگیری کل توانمندی‌های اقتصادی و غیراقتصادی، اولویت‌بندی‌های برنامه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی برای مقاومت تنظیم می‌شد. بنابراین تنها تفاوت اقتصاد مقاومتی در کشورهای مختلف در شکل مقاومت، در مکتب‌ها و فرهنگ‌ها و اهداف آن‌هاست (Asadi, 2014: 32).

توجه به درون‌مایه اقتصاد مقاومتی مشخص می‌سازد که با عزم و اراده ملی و تعامل بخش‌های مختلف اقتصادی، در سایه تقویت بنیان تولید داخلی، توسعه علم و فناوری، کارآفرینی، ترویج، آموزش و اتخاذ الگوی مناسب در مناطق روستایی می‌توان با انتخاب مسیری صحیح، زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی را از نقطه شروع که همان جوامع روستایی است، فراهم ساخت، که دستیابی به این مهم نیازمند الزاماتی چون تغییر در روابط، نگرش، چارچوب‌ها و ساختارهای مراکز روستایی است که از آن به عنوان توسعه روستایی یاد می‌کنند و محقق نخواهد شد مگر با بازسازی و نوسازی روستا از در ابعاد آموزش، تفکر، تکنولوژی، تولید و غیره و خروج نواحی روستایی از انزوای پیوند با اقتصاد ملی. شواهد و قرائن بسیاری وجود دارد که همت دولت برای توسعه روستاها را پس از انقلاب تایید می‌کند اما باید عنوان کرد که تحولات عمیق جوامع روستایی، چالش‌هایی نوینی نه در سطح روستاها بلکه در سطح ملی بوجود آورده است. به طوری که علیرغم وجود جمعیت انبوه روستایی، عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های تولیدی و ضعف در بخش‌های مختلف اقتصادی، مبین این مطلب است که نه تنها جایگاه روستایی بلکه ضرورت توجه به روستا و نقش چشمگیر آن در توسعه ملی پوشیده مانده است. ساز و کارهای سنتی که منجر به کاهش سهم سکونتگاه‌های روستایی در تولید ناخالص ملی گردیده است ضمن تایید این مدعا، روشن می‌سازد که تشریح و شناسایی جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی و به تبع آن دست یابی به اقتصادی پایدار امری واجب است که می‌بایست از طرق گوناگون در دستور کار قرار گیرد (Zarei & Zarei, 2012: 5).

به عنوان نمونه بررسی‌های انجام شده درباره موانع اشتغال و کارآفرینی زنان بیانگر آن است که به طور کلی، زنان روستایی در مسیر حرکت به سمت کارآفرینی در مقایسه با زنان شهری با موانع بیشتری مواجه‌اند و به دلیل شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه روستایی، تأثیر موانعی چون موانع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در این جوامع پر رنگ‌تر است. این در حالی است که بهره‌گیری از ظرفیت مشاغل خانگی برای تحقق اقتصاد مقاومتی یک ضرورت است اما برنامه‌ریزی نکردن بخش دولتی و حتی تعاونی‌ها در جلب مشارکت زنان در زمینه بکارگیری سرمایه‌های خرد و اندک آنان در مسیر تولید، موجب غیرفعال شدن بخش مهمی از سرمایه‌های جامعه شده است. هرچند در این راستا، دولت می‌بایست به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی در نقش حمایت‌گری و تسهیل‌گری وارد شود.

از آن‌جا که افزایش بهره‌وری و کارآمدی نظام روستایی بعنوان حلقه آغازین توسعه پایدار و اساس اقتصاد مقاومتی مستلزم بازبینی و بازنگری در وضع موجود می‌باشد و نظر به مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهرنشینی که همگی منبعث از روستاها هستند، توجه به مسائل انسانی حوزه‌های روستایی و بهبود محیط روستایی جهت پذیرش وظایف جدی‌تر در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. از همین رو با توجه به نقش کلیدی کسب و کارهای خانگی در توسعه اقتصادی مناطق روستایی بعنوان یکی از ابزارهای اصلی توسعه روستایی در تحقق اقتصاد مقاومتی، این بررسی اهتمام ورزیده است تا تا جهت بهره‌گیری کامل از ظرفیت و پتانسیل این کسب و کارها در مناطق روستایی بخش کامفیروز شهرستان مرودشت، نسبت به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل کلیدی و زمینه‌ساز موانع و مشکلات فراروی کسب و کارهای خانگی اقدام نماید.

بر همین اساس و با توجه به این که تاکنون، مطالعه ویژه‌ای در سطح بخش کامفیروز در زمینه بررسی موانع فراروی کسب و کارهای خانگی روستایی انجام نگرفته و شناخت علمی بسیار اندکی در این زمینه برای برنامه‌ریزی در راستای راه‌اندازی و گسترش چنین کسب و کارهایی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی وجود دارد؛ لیکن، این مطالعه با هدف کلی واکاوی موانع فراروی کارآفرینی خانگی در مناطق روستایی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی از دیدگاه دانشجویان جهادگر بسیجی اعزام شده در بخش کامفیروز انجام پذیرفته و در صدد است تا با اتخاذ موانع فراروی این واحدها، بتواند گامی مفید و مؤثر در جهت گسترش و توسعه کارآفرینی خانگی در نواحی روستایی بر دارد.

روش پژوهش

این تحقیق از لحاظ کنترل متغیرها غیرآزمایشی، به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ روش، از نوع تحقیقات توصیفی بوده که به صورت پیمایشی انجام گرفته است. جهت دسته‌بندی و تلخیص موانع فراروی کارآفرینی خانگی در نمونه مورد مطالعه، از روش تحلیل عاملی اکتشافی همراه با چرخش متعامد و جهت بررسی شاخص‌های برازش نیکویی مدل تحقیق به دست آمده، از تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری بهره گرفته شد. بدین ترتیب، به منظور آزمون تخمین مدل از نرم افزارهای SPSS و LISREL 8.80 استفاده شد. جامعه آماری تحقیق حاضر را دانشجویان جهادگر بسیجی دانشگاه مرودشت تشکیل می‌دادند. بدین صورت که تعداد ۱۵۰ نفر از دانشجویان، در قالب گروه‌های جهادی شهیدان استواری و زین‌الدین وابسته به دفتر بسیج دانشجویی مرودشت به روستاهای محروم بخش کامفیروز اعزام شدند ($N=150$). با توجه به محدود بودن جامعه آماری و قابلیت دسترسی، از روش سرشماری استفاده گردید. در نهایت ۱۲۶ پرسش‌نامه با نرخ برگشت‌پذیری ۸۴ درصد جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد.

در تحقیق حاضر، از روش پیمایش برای گردآوری داده‌های زمینه‌ای استفاده شد. بدین منظور بر اساس مطالعات و مروری بر ادبیات نظری تحقیق (بر گرفته از مطالعات Saadi & Heidari, 2014; Khanifar et al, 2010; Rezaei & Najafi, 2015; Yaghoubi Farani et al, 2014)، پرسش‌نامه‌ای شامل دو بخش مشخصه‌های فردی و حرفه‌ای پاسخ‌گویان و موانع راه‌اندازی و گسترش کارآفرینی خانگی در مناطق روستایی در بردارنده ۲۴ گویه بر مبنای طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (از ۱= خیلی کم تا ۵= خیلی زیاد) طراحی و توزیع گردید. روایی پرسش‌نامه، محتوای تهیه شده ابتدا به تأیید استادان متخصص در موضوع پژوهش رسیده و سپس از طریق کسب نظرات مدیران اجرایی در نواحی روستایی، مورد تأیید قرار گرفت. پایایی ابزار تحقیق نیز با انجام آزمون یک نمونه ۳۰ نفری خارج از نمونه اصلی با محاسبه آلفای کرونباخ ($\alpha=0/794$) محاسبه گردید که نشان می‌دهد پرسش‌نامه از پایایی مناسبی برخوردار بوده است.

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات ابتدا، جهت دسته‌بندی و تلخیص موانع فراروی کارآفرینی خانگی از روش تحلیل عاملی اکتشافی^۱ (EFA) همراه با چرخش متعامد این کار صورت پذیرفت. پیش فرض اولیه محقق در این نوع تحلیل، آن است که هر متغیری ممکن است با هر عامل ارتباط داشته باشد (Esfidani & Mohsenin, 2014: 89). به عبارتی، محقق در این روش هیچ تئوری اولیه‌ای ندارد و سعی می‌کند از بارهای عاملی برای کشف ساختار عاملی داده‌ها استفاده کند (Abdolmaleki & Rashidi, 2012: 80). همچنین در ادامه، جهت بررسی شاخص‌های برازش نیکویی مدل تحقیق به دست آمده، از تحلیل عاملی تأییدی^۲ (CFA) و مدل معادلات ساختاری^۳ (SEM) بهره گرفته شد. این روش درصدد تعیین این مسئله است که آیا تعداد عامل‌های اندازه‌گیری شده، با آن چه بر اساس تئوری و مدل نظری انتظار می‌رفت، انطباق دارد. به بیان دیگر به آزمون میزان انطباق و هم‌نمایی بین سازه نظری و سازه تجربی تحقیق می‌پردازد (Habibpour & Safari, 2011: 307).

محدوده مورد مطالعه مطالعه

محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر دهستان کامفیروز جنوبی واقع در بخش کامفیروز شهرستان مرودشت از توابع استان فارس است. دهستان کامفیروز جنوبی طبق آخرین آمار متشکل از ۱۴ روستا بوده است که از این تعداد تنها ۸ روستا قابل سکونت و ۶ روستا خالی از سکنه بوده‌اند

1. Exploratory Factor Analysis (EFA)
2. Confirmatory Factor Analysis (CFA)
3. Structural Equation Modeling (SEM)

(province, 2013:69). این دهستان دارای ۱۸۲۵ خانوار در قالب ۷۰۷۶ نفر جمعیت است که از این تعداد ۳۵۶۶ نفر را مردان و ۳۵۱۰ نفر را زنان تشکیل داده‌اند و تعداد ۵۰۴۵ نفر از جمعیت این دهستان را افراد باسواد تشکیل می‌دهند. همچنین طبق آمار، ۱۷۴۸ نفر در این دهستان شاغل هستند که ۱۲۳۷ نفر در بخش کشاورزی، ۲۶۱ نفر در بخش صنعت و ۲۵۰ نفر در بخش خدمات مشغول به فعالیت می‌باشند.

یافته‌ها و بحث

ابتدا با استفاده از آمار توصیفی، ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای دانشجویان جهادگر بسیجی بررسی شد. مطابق با یافته‌های به دست آمده، بیش از یک سوم دانشجویان بین ۲۵-۳۰ سال و میانگین سنی ۲۷/۱۶ سال با انحراف معیار ۵/۱۹ سال بودند. ۶۷/۴۶ درصد (۸۵ نفر)، سابقه حضور بیش از ۲ بار در اردوهای جهادی را داشته و ۳۲/۵۴ درصد (۴۱ نفر) سابقه کمتر از ۲ بار حضور در این اردوهای جهادی را داشته‌اند. توزیع فراوانی دانشجویان بر اساس جنسیت، نشان داد که ۸۱ نفر (۶۴/۲۹ درصد) از پاسخ‌گویان مرد و ۴۵ نفر (۳۵/۷۱ درصد) زن می‌باشند. همچنین توزیع فراوانی دانشجویان جهادی بر اساس مقطع تحصیلی (میزان تحصیلات)، بیان کننده آن است که اکثریت افراد شرکت کننده در این مطالعه (۶۹ نفر، ۵۴/۷۶ درصد) در مقاطع تحصیلی لیسانس و بالاتر و مابقی (۵۷ نفر یا ۴۵/۲۲ درصد) زیر لیسانس بوده‌اند.

در ادامه، به منظور تعیین میزان اهمیت هر یک از متغیرهای بازدارنده فراروی کارآفرینی خانگی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی از دیدگاه دانشجویان مراجعه کننده به اردوهای جهادی و از جمله بخش کامپیروز، از میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات استفاده شد. نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که پر هزینه بودن وسایل و تجهیزات اولیه برای راه‌اندازی کسب و کار خانگی روستایی (میانگین رتبه‌ای ۳/۳۴ و ضریب تغییرات ۰/۳۳۸)، مشکل اخذ مجوز برای راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی روستایی (اعم از جواز تأسیس و مجوز فعالیت، مجوز بهداشت، تأییدیه سلامت و غیره) (میانگین رتبه‌ای ۳/۱۶ و ضریب تغییرات ۰/۳۴۵)، فراگیر نشدن فرهنگ کسب و کارهای خانگی بین زنان روستایی (میانگین رتبه‌ای ۳/۴۴ و ضریب تغییرات ۰/۳۵۹) و مشکل بازاریابی و دسترسی ضعیف روستاییان به بازار (میانگین رتبه‌ای ۳/۳۰ و ضریب تغییرات ۰/۳۶۱) به ترتیب از مهم‌ترین عوامل بازدارنده کارآفرینی خانگی از دیدگاه دانشجویان جهادگر بسیجی به شمار می‌آیند (جدول ۱).

جدول ۱. اولویت‌بندی موانع فراروی کارآفرینی خانگی در مناطق روستایی از دیدگاه دانشجویان جهادگر بسیجی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	موانع فراروی کارآفرینی خانگی
۱	۰/۳۳۸	۱/۱۳	۳/۳۴	پر هزینه بودن وسایل و تجهیزات اولیه برای راه‌اندازی کسب و کار خانگی روستایی
۲	۰/۳۴۵	۱/۰۹	۳/۱۶	مشکل اخذ مجوز برای راه‌اندازی کسب و کار خانگی روستایی (اعم از جواز تأسیس و مجوز فعالیت، مجوز بهداشت، تأییدیه سلامت و غیره)
۳	۰/۳۵۹	۱/۲۰	۳/۳۴	فراگیر نشدن فرهنگ کسب و کارهای خانگی بین زنان روستایی
۴	۰/۳۶۱	۱/۱۹	۳/۳۰	مشکل بازاریابی و دسترسی ضعیف روستاییان به بازار (دوری بازار)
۵	۰/۳۶۴	۱/۱۹	۳/۲۷	باورهای کلیشه‌ای نادرست در باره توانایی زنان و دختران
۶	۰/۳۷۲	۱/۲۶	۳/۳۹	نبود برنامه‌های ترویجی و اطلاع‌رسانی منسجم در سطح مناطق روستایی برای معرفی و شناساندن کسب و کارهای خانگی و فرصت‌های کارآفرینی ناشی از آن
۷	۰/۳۷۶	۱/۲۶	۳/۳۵	نبود سرمایه اولیه
۸	۰/۳۷۹	۱/۲۰	۳/۱۷	تعدد وظایف و مسئولیت‌های زنان و دختران روستایی در خانه
۹	۰/۳۸۳	۱/۲۵	۳/۲۶	نبود شفافیت و انسجام قوانین مرتبط با کسب و کارهای خانگی در حوزه روستایی (مانند قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، حق بیمه صاحبان کسب و کار خانگی، تشکیل تعاونی-های کسب و کارهای خانگی روستایی، راه‌اندازی بازارهای محلی عرضه محصولات و غیره)
۱۰	۰/۳۸۹	۱/۳۰	۳/۳۵	ضعف یا نبود پشتیبانی از سوی بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری برای راه‌اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی

ادامه جدول				
۱۱	۰/۳۹۴	۱/۲۸	۳/۲۵	اعتقاد نداشتن زنان به تأثیر شغل خانگی در ارتقای سطح درآمدی آن‌ها
۱۲	۰/۳۹۷	۱/۲۷	۳/۲۰	وجود فرهنگ مردم سالاری در جامعه روستایی
۱۳	۰/۴۰۰	۱/۲۸	۳/۲۰	نداشتن مهارت در برقراری تعادل بین کار و زندگی شخصی
۱۴	۰/۴۰۵	۱/۲۶	۳/۱۱	نبودن یا ضعف چتر حمایتی بیمه برای صاحبان کسب و کارهای خانگی
۱۵	۰/۴۰۶	۱/۳۲	۳/۲۵	پائین بودن سطح آگاهی روستائیان در مورد اهمیت و مزایای کسب و کارهای خانگی
۱۶	۰/۴۱۲	۱/۳۸	۳/۳۵	دسترسی کم به منابع مالی و اعتباری اولیه برای راه اندازی کسب و کارهای خانگی در روستاها
۱۷	۰/۴۴۱	۱/۳۵	۳/۰۶	تعصب مردان و ممانعت از ایجاد کسب و کار توسط زنان و دختران روستایی
۱۸	۰/۴۴۳	۱/۵۲	۳/۴۳	عدم توجه سیاست‌های دولت به کارآفرینی و خود اشتغالی روستایی با تأکید بر مشاغل خانگی
۱۹	۰/۴۹۶	۱/۷۳	۳/۴۹	پایین بودن سطح تجربه و تخصص روستائیان برای راه‌اندازی و مدیریت کسب و کارهای خانگی
۲۰	۰/۵۲۸	۱/۵۸	۲/۹۹	نبودن حمایت کافی از سوی دولت برای راه‌اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی روستایی
۲۱	۰/۵۴۹	۱/۶۷	۳/۰۴	ناتوانی زنان در فراهم کردن وثیقه و ضامن برای دریافت وام و اعتبارات
۲۲	۰/۵۵۱	۱/۶۸	۳/۰۵	بی‌اعتمادی خانواده به امکان نان‌آور بودن زنان و دختران روستایی
۲۳	۰/۵۹۷	۱/۸۱	۳/۰۳	اعتقاد به معین بودن روزی و قسمت توسط زنان و دختران روستایی
۲۴	۰/۶۴۱	۱/۵۹	۲/۴۸	پایین بودن مهارت و تجربه زنان و دختران روستایی در زمینه راه‌اندازی کسب و کار خانگی

* بر حسب طیف لیکرت ۵ سطحی (خیلی کم=۱ کم=۲ تا حدودی=۳ زیاد=۴ خیلی زیاد=۵)

در ادامه، با هدف دسته‌بندی "موانع فراروی کارآفرینی خانگی در مناطق روستایی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی" و تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط هر کدام از متغیرها در قالب عامل‌های دسته‌بندی شده، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. محاسبات انجام شده نشان داد که انسجام درونی داده‌ها مناسب بوده و حجم نمونه برای بیان همبستگی بین متغیرهای تحقیق قابل توجه است ($KMO=0/753$)؛ زیرا که مقدار آن بالای $0/70$ است. آماره بارتلت نیز در سطح ۹۹ درصد ($P=0/01$) معنی‌دار بوده و فرض صفر مبنی بر همسانی ماتریس رد می‌شود و می‌توان عملیات تحلیل عاملی اکتشافی را انجام داد. برای استخراج عامل‌ها از معیار مقدار ویژه استفاده شد و بر اساس آن عامل‌هایی مد نظر قرار گرفت که مقدار ویژه آن‌ها از یک بزرگ‌تر بود. مقدار ویژه که در واقع، مجموع مجذورات بارهای عاملی هر عامل است؛ واریانس تبیین شده به وسیله آن عامل را تبیین می‌کند. این مقدار کل واریانس، ریشه مشخصه یا ارزش ویژه عامل است که هر چه قدر ارزش ویژه عامل زیاد باشد، آن عامل واریانس بیشتری را تبیین می‌کند (Pishbin et al, 2012: 502). بر اساس نتیجه تحلیل عاملی در مطالعه حاضر، به طور کلی شش عامل استخراج شده توانسته‌اند حدود $70/521$ درصد از واریانس کل موانع فراروی کارآفرینی خانگی در مناطق روستایی را تبیین کنند (جدول ۲). شایان ذکر است پس از چرخش واریماکس، دو متغیر (اعتقاد به معین بودن روزی و قسمت توسط زنان و دختران روستایی و پائین بودن مهارت و تجربه زنان و دختران روستایی در زمینه راه‌اندازی کسب و کار خانگی) به دلیل پایین بودن بار عاملی از تحلیل حذف شد.

۱. ضریب KMO، ضریبی است که برای آزمون مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی استفاده می‌شود.

جدول ۲. عامل‌های استخراج شده مربوط به هریک از موانع فراروی کارآفرینی خانگی پس از چرخش

بار عاملی	متغیرها (نماد)	عامل‌ها (مقدار ویژه و درصد واریانس)
۰/۷۶۱	ضعف یا نبود پشتیبانی از سوی بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری برای راه‌اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی (حمایتی ۱)	ضعف حمایتی (۱۷/۷۷۶، ۴/۲۶۶)
۰/۸۰۱	نبود یا ضعف چتر حمایتی بیمه برای صاحبان کسب و کارهای خانگی (حمایتی ۲)	
۰/۵۸۶	نبود حمایت کافی از سوی دولت برای راه‌اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی روستایی (حمایتی ۳)	
۰/۵۹۸	مشکل بازاریابی و دسترسی ضعیف روستاییان به بازار (دوری بازار) (حمایتی ۴)	
۰/۵۷۳	نا توانی زنان در فراهم کردن وثیقه و ضامن برای دریافت وام و اعتبارات (حمایتی ۵)	
۰/۸۰۱	دسترسی کم به منابع مالی و اعتباری اولیه برای راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی در روستاها (حمایتی ۶)	
۰/۸۰۱	عدم توجه سیاست‌های دولت به کارآفرینی و خود اشتغالی روستایی با تأکید بر مشاغل خانگی (حمایتی ۷)	موانع اقتصادی (۱۲/۲۹۸، ۲/۹۵۲)
۰/۶۳۱	پرهزینه بودن وسایل و تجهیزات اولیه برای راه‌اندازی کسب و کار خانگی روستایی (اقتصادی ۱)	
۰/۷۲۸	نبود سرمایه اولیه (اقتصادی ۲)	
۰/۷۰۲	اعتقاد نداشتن زنان به تأثیر شغل خانگی در ارتقای سطح درآمدی آن‌ها (اقتصادی ۳)	موانع فرهنگی - اجتماعی (۱۲/۲۰۹، ۲/۹۳۰)
۰/۹۵۰	فراگیر نشدن فرهنگ کسب و کارهای خانگی بین زنان روستایی (فرهنگی - اجتماعی ۱)	
۰/۹۴۴	باورهای کلیشه‌ای نادرست در باره توانایی زنان و دختران (فرهنگی - اجتماعی ۲)	
۰/۹۵۰	تعصب مردان و ممانعت از ایجاد کسب و کار توسط زنان و دختران روستایی (فرهنگی - اجتماعی ۳)	ضعف دانشی و اطلاع رسانی (۱۱/۳۸۵، ۲/۷۳۲)
۰/۷۸۸	پائین بودن سطح تجربه و تخصص روستاییان برای راه‌اندازی و مدیریت کسب و کارهای خانگی (دانشی ۱)	
۰/۸۴۲	نبود برنامه‌های ترویجی و اطلاع رسانی منسجم در سطح مناطق روستایی برای معرفی و شناساندن کسب و کارهای خانگی و فرصت‌های کارآفرینی ناشی از آن (دانشی ۲)	
۰/۷۷۷	پایین بودن سطح آگاهی روستاییان در مورد اهمیت و مزایای کسب و کارهای خانگی (دانشی ۳)	موانع خانوادگی (۹/۳۶۹، ۲/۲۴۸)
۰/۵۵۰	تعدد وظایف و مسئولیت‌های زنان و دختران روستایی در خانه (خانگی ۱)	
۰/۵۹۳	نداشتن مهارت در برقراری تعادل بین کار و زندگی شخصی (خانگی ۲)	
۰/۸۲۲	وجود فرهنگ مردم سالاری در جامعه روستایی (خانگی ۳)	
۰/۷۳۰	بی‌اعتمادی خانواده به امکان نان آور بودن زنان و دختران روستایی (خانگی ۴)	نبود قوانین مرتبط (۷/۴۸۴، ۱/۷۹۶)
۰/۷۶۸	نبود شفافیت و انسجام قوانین مرتبط با کسب و کارهای خانگی در حوزه روستایی (مانند قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، حق بیمه صاحبان کسب و کار خانگی، تشکیل تعاونی‌های کسب و کارهای خانگی روستایی، راه‌اندازی بازارهای محلی عرضه محصولات و غیره) (قوانین ۱)	
۰/۵۳۱	مشکل اخذ مجوز برای راه‌اندازی کسب و کار خانگی روستایی (اعم از جواز تأسیس و مجوز فعالیت، مجوز بهداشت، تأییدیه سلامت و غیره)	

به منظور بررسی اعتبار سازه‌ای پرسش‌نامه و برازش الگوی اندازه‌گیری مربوط به موانع فراروی کارآفرینی خانگی در مناطق روستایی، داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار LISREL 8.80 از طریق تحلیل عاملی - تأییدی (مرتبه دوم) تجزیه و تحلیل شدند. با توجه به نتایج کسب شده، مدل اندازه‌گیری به دست آمده، برازش مطلوبی داشت (جدول ۳). مطابق با نتایج به دست آمده، شاخص‌های برازندگی بیانگر برازش خوب مدل مورد مطالعه با داده‌های مشاهده شده هستند. بر این اساس، هر چه شاخص نیکویی برازش $(GFI=0/90)$ و شاخص تعدیل شده نیکویی برازش $(AGFI=0/93)$ به یک نزدیک‌تر باشد، حاکی از برازش مناسب مدل است. همچنین معیار ریشه میانگین باقیمانده‌ها $(RMR=0/041)$ که شاخصی برای اندازه‌گیری متوسط باقیمانده‌هاست و هر چه کوچک‌تر باشد، نشان دهنده برازش

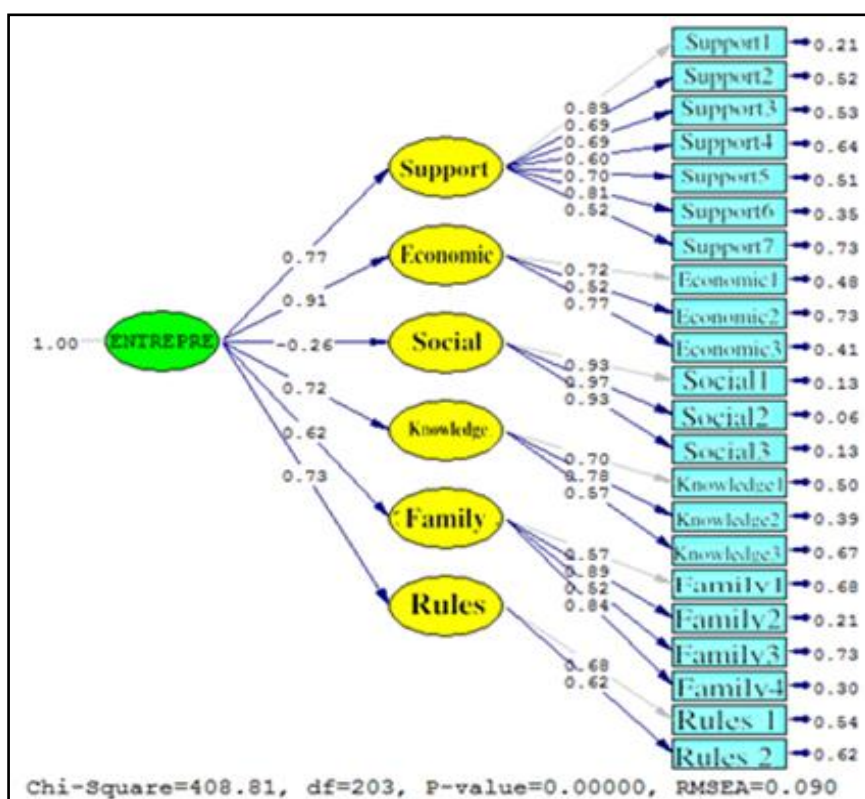
1. Goodness of Fit Index (GFI)
2. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
3. Root Mean Square Residual (RMR)

خوب مدل است. از سوی دیگر، مجذور کای اسکوتر و سطح معنی‌داری و کمیت‌های t (در سطح معنی‌داری ۰/۵۰ درصد) حاکی از عدم تفاوت معنی‌داری داده‌های مشاهده شده با مدل هستند (Hair et al, 2010: 221-222).

جدول ۳. نتایج میزان انطباق مدل پژوهش با شاخص‌های برازندگی

مقدار گزارش شده	معیار پیشنهاد شده	شاخص برازش
۲/۱۴۰	≤ 3	X^2/df (نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی)
۰/۰۰۱	$\leq ۰/۰۵$	P-Value (سطح معناداری)
۰/۹۸	$۰/۹۰ \leq$	NFI (شاخص برازندگی هنجار شده)
۰/۹۹	$۰/۹۰ \leq$	NNFI (شاخص برازندگی غیر هنجار شده)
۰/۹۳	$۰/۹۰ \leq$	CFI (شاخص تطبیقی برازش)
۰/۹۴	$۰/۹۰ \leq$	GFI (شاخص نیکویی برازش)
۰/۹۳	$۰/۹۰ \leq$	AGFI (شاخص نیکویی برازش اصلاح شده)
۰/۰۳۷	$\leq ۰/۰۵$	RMR (ریشه میانگین باقیمانده‌ها)
۰/۰۹۰	$\leq ۰/۱۰$	RMSEA (ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب)

همان‌طور که از مدل برازش شده در شکل (۱) پیداست، تمام متغیرهای آشکار وارد شده در مدل، بار عاملی بزرگ‌تر از ۰/۵۰ داشتند و مقدار t معنی‌دار بود. این موضوع نشان دهنده تبیین مناسب شش متغیر مکنون مورد مطالعه (شامل ضعف حمایتی، موانع اقتصادی، موانع فرهنگی و اجتماعی، ضعف دانشی و اطلاع‌رسانی، موانع خانوادگی و نبود قوانین مرتبط) توسط متغیرهای آشکار است.



شکل ۱. مدل برازش یافته (تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم) بر اساس ضرایب استاندارد

در پایان، بر اساس نتایج کسب شده، مقدار t محاسبه شده برای هر شش متغیر مکنون مورد بررسی (شامل ضعف حمایتی، موانع اقتصادی، موانع فرهنگی و اجتماعی، ضعف دانشی و اطلاع‌رسانی، موانع خانوادگی و نبود قوانین مرتبط) از ۱/۹۶ بزرگ‌تر بود و در نتیجه این متغیرها، ضمن ارتباط با یکدیگر در قالب سازه‌ای کلی‌تر (مدل اندازه‌گیری مرتبه دوم)، تا حدود زیادی ابعاد مستقل و مجزای متغیر مکنون مرتبه دوم یعنی "موانع فراروی کارآفرینی خانگی در مناطق روستایی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی" را اندازه‌گیری می‌کردند (جدول ۴).

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

موانع	گویه‌ها	نماد متغیر مشهود (مخفف)*	بار عاملی استاندارد شده	مقدار t	آلفای کرونباخ (α)
ضعف حمایتی	ضعف حمایتی ۱	Support 1	۰/۸۹	-	۰/۸۷۹
	ضعف حمایتی ۲	Support 2	۰/۶۹	۸/۷۹	
	ضعف حمایتی ۳	Support 3	۰/۶۹	۸/۶۲	
	ضعف حمایتی ۴	Support 4	۰/۶۰	۷/۱۷	
	ضعف حمایتی ۵	Support 5	۰/۷۰	۸/۹۴	
	ضعف حمایتی ۶	Support 6	۰/۸۱	۱۱/۰۴	
	ضعف حمایتی ۷	Support 7	۰/۵۲	۶/۰۷	
موانع اقتصادی	موانع اقتصادی ۱	Economic 1	۰/۷۲	-	۰/۷۱۶
	موانع اقتصادی ۲	Economic 2	۰/۵۲	۵/۰۵	
	موانع اقتصادی ۳	Economic 3	۰/۷۷	۷/۰۰	
موانع فرهنگی - اجتماعی	موانع فرهنگی - اجتماعی ۱	Social 1	۰/۹۳	-	۰/۹۵۸
	موانع فرهنگی - اجتماعی ۲	Social 2	۰/۹۷	۲۲/۷۷	
	موانع فرهنگی - اجتماعی ۳	Social 3	۰/۹۳	۱۹/۸۰	
ضعف دانشی و اطلاع‌رسانی	ضعف دانشی و اطلاع‌رسانی ۱	Knowledge 1	۰/۷۰	-	۰/۷۰۸
	ضعف دانشی و اطلاع‌رسانی ۲	Knowledge 2	۰/۷۸	۶/۴۰	
	ضعف دانشی و اطلاع‌رسانی ۳	Knowledge 3	۰/۵۷	۵/۳۳	
موانع خانوادگی	موانع خانوادگی ۱	Family 1	۰/۵۷	-	۰/۷۹۴
	موانع خانوادگی ۲	Family 2	۰/۸۹	۶/۴۰	
	موانع خانوادگی ۳	Family 3	۰/۵۲	۴/۶۴	
	موانع خانوادگی ۴	Family 4	۰/۸۴	۶/۳۴	
نبود قوانین مرتبط	نبود قوانین مرتبط ۱	Rules 1	۰/۶۸	-	۰/۷۱۱
	نبود قوانین مرتبط ۲	Rules 2	۰/۶۲	۴/۲۵	

* به دلیل این که در نرم افزار LISREL فقط امکان تایپ ۹ کاراکتر موجود است، متغیرهای مشهود و پنهان شکل فوق، به صورت مخفف ذکر گردیدند.

نتیجه‌گیری

امروزه توسعه روستاها بیش از هر زمان دیگر، با کارآفرینی مرتبط است. در حال حاضر اکثر افراد و مؤسسات فعال در زمینه توسعه روستایی، کارآفرینی را به عنوان یک فعالیت و توسعه‌ای استراتژیک می‌دانند که می‌تواند فرآیند توسعه روستایی را تسریع نماید. با وجود قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی و طبیعی فراوان و ارزشمند در مناطق روستایی، ضرورت اتخاذ تصمیمات و تمهیداتی برای سازماندهی امر اشتغال و کمک به توسعه کارآفرینی و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در این مناطق با تأکید بر مشاغل خانگی احساس می‌شود. با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، این پژوهش با هدف شناسایی و واکاوی موانع فراروی کارآفرینی خانگی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی در مناطق روستایی بخش کامفیروز شهرستان

مروودشت انجام پذیرفت. صرف نظر از اهمیتی که کارآفرینی خانگی در جوامع روستایی دارد، همواره عواملی نقش موانع و بازدارنده این مهم در روستاها هستند. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که از دیدگاه دانشجویان جهادگر بسیجی، نبود حمایت کافی از سوی دولت برای راه‌اندازی و گسترش کسب و کار خانگی روستایی، مشکل اخذ مجوز برای راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی روستایی (اعم از جواز تأسیس و مجوز فعالیت، مجوز بهداشت، تأییدیه سلامت و غیره)، فراگیر نشدن فرهنگ کسب و کارهای خانگی بین زنان روستایی و مشکل بازاریابی و دسترسی ضعیف روستاییان به بازار به ترتیب از مهم‌ترین عوامل بازدارنده کارآفرینی خانگی در مناطق روستایی به شمار می‌آیند.

نتایج تحلیل عاملی سازه‌های موانع فراروی کارآفرینی خانگی در مناطق روستایی در بخش کامفیروز از دیدگاه دانشجویان جهادگر بسیجی اعزام شده به این منطقه، بیان‌کننده آن است که شش عامل ضعف حمایتی، موانع اقتصادی، موانع فرهنگی و اجتماعی، ضعف دانشی و اطلاع‌رسانی، موانع خانوادگی و نبود قوانین مرتبط در مجموع توانسته‌اند ۷۰/۵۲۱ درصد از کل واریانس موانع فراروی کارآفرینی خانگی را تبیین نمایند. بر اساس موانع فراروی به دست آمده در این مطالعه، ضعف حمایتی با درصد تبیین ۱۷/۷۷۶ درصد، در رأس موانع قرار گرفت. اهمیت این عامل در مطالعات مختلفی مانند رضایی و نجفی (۱۳۹۴)، میرلطفی و همکاران (۱۳۹۳)، شریف‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) و یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۳) تأیید شده است. در این زمینه، قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی در سال ۱۳۸۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در همین سال برای اجرا به دولت ابلاغ شد؛ لیکن در عمل بسیاری از برنامه‌های پیش‌بینی شده به ویژه در مورد کسب و کارهای خانگی روستایی به شکل ضعیف و ناقص اجراء شد و بسیاری از حمایت‌ها در زمینه راه‌اندازی و گسترش این نوع کسب و کارها در مناطق شهری صورت گرفت. به گونه‌ای که مشاهده و مصاحبه محقق در منطقه مورد مطالعه، حکایت از آن دارد که به عنوان نمونه بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی - اعتباری پشتیبانی لازم را برای تأمین مالی کسب و کارهای خانگی انجام ندادند و حمایت‌های آن‌ها در این زمینه ناچیز بوده است. لذا با توجه به نتایج این قسمت از بررسی، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ارایه حمایت‌های مالی مناسب از کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی از طریق تشویق بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری به ویژه تشکیل صندوق‌های تأمین مالی خرد و توسعه سرمایه‌گذاری خطرپذیر؛

- به کارگیری سیاست‌های تشویقی و حمایتی از تولیدات خانگی روستایی به منظور ترغیب زنان و دختران روستایی به ایجاد مشاغل خانگی؛

- قرار دادن منابع لازم و وام و تسهیلات بانکی مدت‌دار برای ایجاد مشاغل خانگی.

بر اساس بخش دیگری از نتایج تحقیق، موانع اقتصادی در حوزه این واحدها، یکی دیگر از موانع فراروی کارآفرینی خانگی در مناطق روستایی در منطقه مورد مطالعه می‌باشد. این یافته با مطالعات به دست آمده از پژوهش پیشگامی فرد و ام‌البینی (۱۳۸۸) و رودگرنژاد و کیاکجوری (۱۳۸۸) هم‌راستا و همسو است. لذا، ضرورت توجه به مؤسسات خصوصی و دولتی مانند بانک‌ها و سرمایه‌گذاری این بخش می‌تواند زمینه‌ساز پایداری اقتصادی منطقه گردد. همچنین، از دیگر عوامل بازدارنده کارآفرینی خانگی که در مطالعات متعددی به دفعات به آن اشاره شده است، موانع فرهنگی - اجتماعی است. نتایج پژوهش یعقوبی فرانی و موحدی (۱۳۹۱) نیز نشان داد که اصول فرهنگی حاکم بر جامعه و خانواده روستایی، از جمله باورها، اعتقادات، سنت‌ها و رفتارهای جامعه بر نحوه و نوع کارآفرینی زنان روستایی مؤثر است؛ و از جمله دلایل ریشه‌ای است که فعالیت‌های اقتصادی و کارآفرینی زنان را کاهش می‌دهد. همچنین در پژوهش میرغفوری و همکاران (۱۳۸۷) به وجود برخی موانع فرهنگی - اجتماعی نظیر باورهای کلیشه‌ای درباره زنان، وجود فرهنگ مردم سالاری در سازمان‌ها و جامعه و مناسبات حاکم بر سازمان کار اشاره شده است. از این رو پیشنهاد می‌گردد با گسترش فرهنگ کارآفرینی و خود اشتغالی در جامعه روستایی از طریق الگو قراردادن افراد کارآفرین برای مردم از طریق رسانه‌ها، مطبوعات و قدردانی از آن‌ها، در دستور کار برنامه‌ریزان امر قرار گیرد.

عامل بعدی موانع تبیین کننده کارآفرینی خانگی در مناطق روستایی مورد مطالعه، موانع مرتبط با ضعف دانش و اطلاع رسانی بودند. این یافته با نتایج مطالعات رضایی و نجفی (۱۳۹۴) و یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت و همخوانی دارد. در این زمینه، همان گونه که نتایج نشان می دهد روستائیان مورد مطالعه سطح تجربه و تخصص تقریباً پایینی برای راه اندازی و مدیریت کسب و کار خانگی دارند و اطلاعات کافی در زمینه اهمیت و مزایای این نوع کسب و کارها ندارند. یکی از علل اصلی این مسأله را می توان به شرکت نکردن صاحبان کسب و کارهای خانگی در دوره های آموزشی مرتبط با کسب و کار یا کارآفرینی نسبت داد. علاوه بر این، نبود برنامه های ترویجی و اطلاع رسانی منسجم در سطح مناطق روستایی برای معرفی و شناساندن کسب و کارهای خانگی و فرصت های کارآفرینی ناشی از آن، سبب شده است تا در مجموع روستائیان سطح آگاهی و دانش اندکی در مورد کسب و کارهای خانگی داشته باشند. از این رو، می بایست ترغیب روستائیان برای راه اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی از طریق تدوین و اجرای برنامه های ترویجی و اطلاع رسانی منسجم در سطح مناطق روستایی برای معرفی و شناساندن مشاغل خانگی و فرصت های کارآفرینی از آن ها در دستور کار برنامه ریزان و مدیران قرار گیرد.

نتایج تحلیل عاملی بیانگر این واقعیت است که موانع خانوادگی بعد از ضعف دانش و اطلاع رسانی بیشترین تأثیر و اهمیت را به عنوان موانع کارآفرینی خانگی در مناطق روستایی دارد. این یافته با نتایج مطالعات یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۳) و میرغفوری و همکاران (۱۳۸۸) همسو و هم راستاست. از این رو پیشنهاد می گردد با تشکیل انجمن صاحبان کسب و کار خانگی جهت تبادل نظر با یکدیگر و مرکزی به عنوان کسب مشاوره در دستور کار برنامه ریزان امر در جهت رفع موانع خانوادگی این نوع مشاغل قرار گیرد. در نهایت، عامل آخر از موانع مربوط به راه اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی روستایی، موانع مرتبط با نبود قوانین کسب و کار خانوادگی بوده اند. البته همان گونه که این عامل کمترین میزان واریانس را داشت؛ بخش عمده ای از موانع قانونی با تصویب قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی در سال ۱۳۸۹ رفع شد. لیکن همان طور که اشاره شد این قوانین ضمانت اجرایی تقریباً ضعیفی دارند و به شکل مطلوبی پیاده سازی نشده اند. لذا بازبینی و اصلاح قوانین مرتبط با مشاغل و کسب و کارهای خانگی و حذف رویه ها و فرآیندهای اداری اضافی به منظور سرعت بخشیدن به فرآیند اخذ مجوز و شروع فعالیت کسب و کار خانگی روستایی در دستور کار متولیان امر قرار گیرد.

References

- Abdolmaleki, J., & Rashidi, Z. (2012). *LISREL in plain language: structural equation modeling*. (1st Ed.). Tehran: Jame'e Shenasan publication. (In Persian)
- Ahmadpur-e-Dariani, M. (2006). *Intrepreneurship in home businesses*. (1st Ed.). Tehran: Mehrabe Ghalam Publication. (In Persian).
- Asadi, A. (2014). Islamic economic system is a complete model for resistive economy. *Journal Management System*. 2 (5), 25-39. (In Persian)
- Barkhordari, F. (2010). Challenges and strategies for the development of domestic jobs in Iran. *Capital & Market Journal*, 11 (1), 1-6 (In Persian)
- Daneshjafari, D., & Karimi, S. (2015). Oil, 6th development plan, resistive economy. *Journal Management System*. 2 (8), 1-35. (In Persian)
- Entezarian, N., & Tahmasebi, T. (2010). Barriers and strategies for the development of domestic jobs in Iran. *Capital & Market Journal*. 9 (127), 78-98. (In Persian)
- Esfidani, M. R., & Mohsenin, SH. (2014). *LISREL*. (1st Ed.). Tehran: Ketabe Mehraban Publication. (In Persian)

- Fallah-Jelodar, R., Farajollah- Hosseini, S. J., Hosseini, S. M. & Mirdamadi, M. (2008). Factors contributing to the success of rural womens entrepreneurship in North of Iran. *Village and Development*. 10 (4), 87-115 (in Persian).
- Habibpour, K. & Safari, R. (2011). *A comprehensive guide to the use of SPSS survey research*. (1nd Ed.). Tehran: Motefakeran publication (in Persian).
- Harpa, E., Moica, S. & Dana, R. (2015). A predictive model of innovation in rural entrepreneurship. *Procedia Technology*. 19 (1), 471-478.
- Kalantaridis, C. & Bika, Z. (2011). Entrepreneurial origin and the configuration of innovation in rural areas: the case of Cumbria, North West England. *Environment and Planning*. 43 (4), 866-884.
- Karim, M. H., Safdarinahad, M. & Amjadipour, M. (2014). Agricultural development and resistive economy, as an alternative to oil revenue. *Journal Management System*. 2 (6), 103-127 (in Persian).
- Khanifar, H., Ahmadi Azarm, H. & Zamanifar, M. (2010). Home- based entrepreneurship: identifying important motivations and role of the demographic traits. *Journal of Entrepreneurship Development*. 3 (9), 181-203 (in Persian).
- Management and Planning Organization of fars province.(2013). *Statistical Yearbook of fars province 2013*, Management and Planning Organization of fars province, Department of Statistics and Information. (in Persian).
- Mehr, M. (2010). Domestic jobs, benefits and challenges. *Work and Community Magazine*. 8 (108), 104-106 (in Persian).
- Ming-Yen, W. & Chong, S. (2008). Improving women entrepreneurship in SMEs in Malaysia: Policy recommendation. *Journal of Communication of the IBIMA*. 2 (1), 31-38.
- Mirghafoori, H., Sayyadi Tooranloo, H. & Taheri Demneh, M. (2009). Investigating the barriers of womens entrepreneurship in Iran Society (Case: the women entrepreneurs of Yazd Province). *Transformation Management Journal*. 1 (2), 47-64 (in Persian).
- Mirlotfi, M. R., Alavizadeh, A. M. & Badakhsh. (2014). The pathology of home business development in rural areas (Case Study: Dyshmuk District in Kohgiluyeh County). *Journal of Research and Rural Planning*. 3 (1), 1-11 (in Persian).
- Mir-Mohammadi, S.S. (2009). Entrepreneurship and small businesses. *Industry Review and Technology Magazine*. 19 (109), 11-13 (in Persian).
- Muske, G. & Woods, M. (2005). *Home-based business: An economic development alternative*. Oklahoma Cooperative Extension Fact Sheets, Division of Agricultural Sciences and Natural Resources, Oklahoma State University.
- Najafi, B., & Safa, L. (2014). Analysis for home businesses and entrepreneurial challenges of development in rural areas. *Journal of Entrepreneurship in Agriculture*. 1 (2), 61-73 (in Persian).
- Pezhouhandeh, M. H. (2015). Obstacles of resistive economy. *Journal of Social Eslamic Research*. 21 (3), 185-237 (in Persian).
- Pierce- Lyons, R. (2009). *The Home Entrepreneur Systems Model: A grounded theory of home-based business needs and practices*. Ph.D. thesis, James Cook University, Queensland, Australia.
- Pishbin, A. R., Iravani, H., Movahed Mohammadi, H., Shabanali Fami, H., & Rezvanfar, A. (2012). An investigation of the Role of Environmental Factors on Entrepreneurial Orientation, Evidences from Iranian Animal Production

- Cooperatives. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development*, 43 (3), 497-509. (In Persian)
- Pishgahifard, Z., & Poolab, O. (2009). A future research on the status of womens employment in Middle East Case Studt of Iran. *Journal of Women in Development and Politics*, 7 (3), 89-106. (In Persian)
- Rezaei, R., & Najafi, B. (2015). Barriers of stating and expanding home based businesses inrural areas of Urmia County. *Journal of Entrepreneurship Development*, 8 (3), 433-451.
- Roudgarnejad, F., & Kiakajouri, K. (2009). Challenges and barriers to business development. First National Conference on Business Development (Challenges and Solutions). Tehran, 135-143. (In Persian)
- Saadi, H., Jalilian, S., & Yaghoubi Farani, A. (2014). The influence of home based businesses on rural womens social empowerment. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 5 (19), 85-107. (In Persian)
- Saadi, H., & Heidari, F. (2014). Home business cooperatives (HBCs) in Hamadan Province: challenges and solutions. *Journal of Entrepreneurship Development*, 6 (1), 87-104. (In Persian)
- Sharifzadeh, A., Khajeh Shahkahi, A. R., Abdollahzadeh, GH. H. & Sharifi, M. (2014). Diagnosing development of rural family enterprises in Golestan Province. *Journal of Rural Research*, 5 (1), 1-24. (In Persian)
- Taggart, J. (2010). *Networking experiences of Australian home based businesses*. DBA Thesis, Southern Cross University, Australia.
- Tipple, G. (2006). Employment and work conditions in home based enterprises in four developing countries: Do they constitute 'decent work? *Journal of Work, Employment and Society*, 20 (1), 167-179.
- United Nations Industrial Development Organization. (2003). Industrial development report 2002/ 2003.1-187.
- Walker, E., Wang, C., & Remond, J. (2008). Women and work-life balance: is home-based business ownership the solution?. *Equal Opportunities International*, 27 (3), 258-275.
- Yaghoubi Farani, A., & Movahedi, R. (2012). Analysis the Barriers and limitations of rural women entreoreneurship development in Iran. *Work and Community Magazine*, 10 (124), 38-50. (In Persian)
- Yaghoubi Farani, A., Vahdat Moaddab, H., & Latifi, S. (2014). Identifying inhibitions of rural womens trend to home businesses (Case Study: Sardrod district, Razan County). *Journal of Women in Development and Politics*, 11 (4), 559-574. (In Persian)
- Zarei, Y., & Zarei, G. H. (2012). Establish the position of village resistive economy. National Conference of National Production, Work and Human Capital Support. Boushehr Province, Pars Special Economic Zone in Assaluyeh, December 2012, 1-7. (In Persian).

How to cite this article:

Rahmanian Koushkaki, M., Zarei, Y. & Estelaji, A. (2017). On the Analysis of Barriers in front of Domestic Entrepreneurship in Rural Areas with Emphasis on Resistive Economy to Deprived Areas from Basiji Jihadist Students' Points of View (Case Study: Kamfiroz Rural District, Marvdasht County). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 12 (2), 249-265.
http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_532885.html

On the Analysis of Barriers in front of Domestic Entrepreneurship in Rural Areas with Emphasis on Resistive Economy to Deprived Areas from Basiji Jihadist Students' Points of View (Case Study: Kamfiroz Rural District, Marvdasht County)

Mahdi Rahmanian Koushkaki*

Ph.D in Geography & Rural Planning, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zarei Yaghoub

Ph.D in Geography & Rural Planning, Yong Researchers and Elite Club, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

Alirez Estelaji

Professor, Department of Geography, Yadgar Imam Branch, Islamic Azad University, Shahre Rey, Iran

Received: 2016/11/14

Accepted: 2017/08/21

Extended Abstract

Introduction

Nowadays, lots of rural areas throughout the world, particularly in developing countries, are suffering the problems caused by recession, stagnation and economic downturn. Some of the reasons for that are shortcomings in economic diversification, lack of entrepreneurship view and like that. As a result, rural areas suffer from multiple strategic challenges such as poverty, hidden unemployment, environmental degradation, the persistence of inequality in the distribution of opportunities and resources between urban and rural areas which explains the reasons of dissatisfaction among majority of the villagers with living conditions and bioeconomic in the villages. Somehow from the perspective of most scholars, this strategy has been introduced as an engine for the growth and development of rural economies and it is an effective factor in the transformation and dynamism of the local economy. In this regard, the diversification into rural economic activities based on the potential, opportunities and capacities available in them, can boost the economic development in villages. Small scale entrepreneurship in the form of business at home and at home is considered as an important tool for creating employment and income around the world. Small scale entrepreneurship in business format at home and housework is considered as an important solution for creating employment and revenue around the world, and it can be a shortcut to realizing a resistive economy in our country. Although domestic entrepreneurship is one of the best fields of women's economic activity, particularly in rural areas, its development is facing lots of obstacles and limitations. The statistics show that less than 10 percent of the entrepreneurs are women in Iran, and various factors have prevented the rise and growth of women's potential talent in entrepreneurship. Although domestic entrepreneurship is one of the best fields of women's economic activity, particularly in rural areas, its development is facing lots of obstacles and limitations. Accordingly, the present study aimed to explore the barriers to domestic entrepreneurship with an emphasis on resistive economy.

* Corresponding Author:

rahmanian.mahdi@gmail.com

Methodology

This study is non-experimental, applied and descriptive in terms of controlling variables, objective and method, respectively, which was done with survey method. Population of this study included 150 Basiji Jihadist students in Marvdasht Islamic Azad university (N=150) which were studied by using census method. Finally, 126 questionnaires were collected and analyzed. Questionnaire was the main tool to collect data. Validity of the questionnaire was confirmed by experts and specialists. In order to determine the reliability of the research tool, a pre-test was performed. The Cronbach alpha was calculated for the main scale of the questionnaire ($\alpha = 0.794$), which indicated the suitability of the research tool. The data was analyzed using SPSS win22 and LISREL 8.80 software. For factor analysis of obstacles in front of home entrepreneurship with an emphasis on resistive economy, and to investigate the good index of the research model, the exploratory factor analysis and also, confirmatory factor analysis as well as structural equations model (SEM) were employed, separately.

Results and discussion

For identifying obstacles in front of home entrepreneurship with an emphasis on resistive economy, and to investigate the good index of the research model, the exploratory factor analysis and also, confirmatory factor analysis as well as structural equations model (SEM) were employed, separately. The results of factor analysis related to the barriers in front of domestic entrepreneurship showed that variables have been subjected to six factors of supportive weakness, economic barriers, cultural and social barriers, knowledge and information giving weaknesses, family barriers and lack of relevant laws. These six factors explained 70.521 % variance of the obstacles in front of domestic entrepreneurship with an emphasis on resistive economy.

Conclusion

Nowadays, rural development is relevant to entrepreneurship more than before. Women's entrepreneurship plays an important role in women's empowerment and development of societies. Recent studies showed that women had tendency to entrepreneurship severely in many societies and cultures, such as our country. The results also displayed that entrepreneurial barriers with emphasis on resistance economy were divided into six separate factors were included the following. These six factors are important in order to follow:

Supportive Weakness (17.776%), Economic Barriers (12.298%), Cultural and Social Barriers (12.209%), Knowledge and Information Giving Weaknesses (11.385%), Family Barriers and Lack of Relevant Laws (7.484%). These six factors explained 70.521 % variance of the obstacles in front of domestic entrepreneurship with an emphasis on resistive economy.

Key words: Domestic Entrepreneurship, Barriers, Resistive Economy, Rural Women